

تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۳

نبی‌الله ابراهیمی*

چکیده

هدف اصلی این نوشتار، بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی می‌باشد. در واقع، تاریخ جدید عربی در سایه جهانی شدن و شبکه‌های اجتماعی رقم خورده است. به تبع، انقلاب‌های جوانان عرب، ادبیات جدیدی را در روابط بین‌الملل و مطالعه انقلاب‌های مجازی و پست‌مدرن به وجود می‌آورد که خود گویای این نکته خواهد بود که خاورمیانه را دیگر نمی‌توان از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی سیاسی صرف غربی مطالعه کرد. از همین زاویه است که این نوشتار سعی می‌کند از منظر نظریه‌های انتقادی و مطرح‌شده از سوی نویسندگان عرب، به بررسی و کندوکاو انقلاب‌های عربی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، انقلاب‌های عربی، فیس بوک، توییتر، الجزیره.

Ebrahimi ir@ Modares.ac.ir

* استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال چهاردهم • شماره دوم • تابستان ۱۳۹۰ • شماره مسلسل ۵۲

مقدمه

الشعب یرید اسقاط النظام (مردم سرنگونی نظام را می‌خواهند)، ارحل (برو) و اعتصام اعتصام (اعتصاب، اعتصاب)، شعارهایی بودند که در جهان عرب از قاهره گرفته تا صنعا و بنغازی، علیه دیکتاتورهای عرب، به نشانه‌های مهم گفتمان انقلابی عربی مبدل شدند. این انقلاب‌ها، اسطوره‌های قدرت نظامی - ناسیونالیستی حاکمان عرب را به چالش کشیدند. اسطوره با گذر از تاریخ به طبیعت، پیچیدگی کنش‌های انسانی را نادیده می‌گیرد و جامعه را تغییرناپذیر جلوه می‌دهد. به این ترتیب دلالت‌های اسطوره‌ای حاکم می‌شود (بارت، ۱۳۷۵: ۳۰) معمر قذافی، حکومت خود را اسطوره‌ای تغییرناپذیر جلوه داده بود، به گونه‌ای که حتی غربی‌ها نیز معتقد بودند لیبی فاقد اپوزیسیون قوی و منسجم است. به راستی این چه نیروی مهم و تأثیرگذاری بود که جهان عرب را به مثابه جامعه تک‌صدایی و با هدف مشترک به هم متصل می‌ساخت؟ این مقاله در پی آن است که نشان دهد دنیای مجازی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و کانال‌های ماهواره‌ای عرب‌زبان، این جامعه هدف‌دار را بازسازی کرد. این روند را در جهان عرب می‌توان «وضعیت پست‌مدرن جهان عرب» نامید.

«پست‌مدرن» امری متفاوت از «سنت» و «مدرن» محسوب می‌شود. وقتی از پست‌مدرن صحبت می‌کنیم، منظور آن است که شیوه‌ای متفاوت با سبک زندگی مدرن و سنتی وجود دارد. «پست‌مدرنیته» بیانگر شرایط یا وضعیت خاصی است که در آن وضعیت پست‌مدرن حاکم شده باشد. وقتی از «وضعیت» سخن می‌گوئیم، منظور موقعیتی است که در آن به سر می‌بریم. موقعیت، چارچوب‌های ما را می‌سازد و به جهت‌گیری‌های ما شکل می‌دهد. اگر بتوان از پست‌مدرنیته (یعنی پست‌مدرن بودن) صحبت کرد، به معنای آن است که چنین وضعیتی در حال تکوین است «پست‌مدرنیسم» امروزه، بیشتر به عنوان یک «ایسم» جدید جلوه می‌کند و به عنوان مکتب فکری، در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی مطرح می‌شود (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۱۲۸-۱۲۷).

بر این اساس، با ورود شبکه‌های اجتماعی و تارنماهای گوناگون در دنیای عرب، موقعیت و وضعیت در این جهان، توسط جمعیتی بالغ بر شصت و یک درصد جوانان، به گونه‌ای حیرت‌آور، تغییر پیدا کرده است. انقلاب‌های عربی، همزمان پست‌مدرن بودن را از طریق همین

فناوری‌های نوین تجربه می‌کند و این تجربه، بیانگر نوعی «انکار بزرگ» است. انکار پدرسالاری و نوپدرسالاری عربی.

وضعیت پست‌مدرن، موقعیتی همگن را میان کنش فردی عرب و گفتمان تغییر برسازی کرده که در تحلیل ساختار - کارگزار قابل تحلیل است. فناوری اطلاعات این تعامل نمادین میان ساختار - کارگزار در جهان عرب را تکوین می‌کند. این نوشتار، با بحثی درباره پیوند میان فناوری اطلاعات و روابط بین‌الملل شروع می‌شود و این پیوند را از دریچه نظری مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس، وضعیت فناوری اطلاعات و اینترنت در خاورمیانه را بررسی کرده و در پایان، با کمک گرفتن از سطح تحلیل ساختار - کارگزار، به تبیین تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای به عنوان نوعی ساختار کلان معنایی و کنش فردی جوانان عرب در وقوع و تکوین انقلاب‌های عرب می‌پردازد.

الف. فناوری اطلاعات و روابط بین‌الملل

از اوائل دهه ۱۹۷۰ میلادی، فناوری‌های نوین اطلاعاتی، آسیب‌پذیری‌های دولت را افزایش داده‌اند. گزارش دولت سوئد به نام گزارش تنگلاین^۱ تأکید می‌کند که خطرات عمده جامعه‌ای شبکه‌ای، می‌تواند حیات کشورها را تهدید کند، چرا که اینترنت، افراد و گروه‌ها را از اقصی نقاط دنیا، بهم متصل می‌سازد و اطلاعات ارتباطی را مبادله می‌سازند.

این اطلاعات می‌تواند حاکمیت و امنیت نظام سیاسی را تهدید کند. البته، تنها اینترنت پدیده خطرزایی برای دولت‌ها نبوده است. تجربه‌های پیشین نشان‌دهنده حساسیت کشورها و دولت‌ها به عملکرد رادیو و تلویزیون است. جامعه اطلاعاتی جهانی^۲، تا حد زیادی مفهوم امنیت را تغییر داده و این تغییر همانا ایجاد نوعی فضای مجازی تهدید برای اغلب کشورهاست (Eriksson and Giacomelli, 2007: 3).

با وجود این، فضای اینترنت به نحو آشکار به زیرساخت‌های فناوری کامپیوترهای شبکه‌ای اشاره دارد که ارتباطات دیجیتالی را در سطح دنیا ممکن می‌سازد. بنابراین، فضای مجازی نه

1. Tenglign Report
2. The global Information Society

فقط زیرساخت‌های ابزاری ارتباطات دیجیتال، که اقیانوس اطلاعاتی است که انسان‌ها آن زیرساخت‌ها را کنترل کرده و توسعه می‌دهند (Wright, 2000: 200-10).

در همین پیوند، انقلاب اطلاعات در دنیای مجازی به طور فزاینده‌ای نقش شرکت‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی، جنبش‌های اجتماعی و تجارت شبکه‌ای افراد را گسترش داده و این کنش‌گران غیردولتی هستند که به عنوان طبقه جدید آنلاین و با گفتمانی نو، آن هم با مخاطبین جوان، چالشی نو را برای جوامع سنتی ایجاد کرده‌اند. نماد این جامعه پسامدرن عصر دیجیتالی یا دنیای مجازی، اینترنت است. به تبع، این فضای شبکه‌ای تا حد زیادی تعاملات افراد و تعاملات گفتمانی را شکل و سمت و سو داده است. به عبارتی، اینترنت هویت جدید را در دنیای مجازی رقم زده است (Poulsen, 2006).

جامعه‌شناسان مدرن، فضای فرهنگی مجازی را کاملاً جدید و پسامدرن دانسته و آن را نشانگر گسستی عمده و اساسی در الگوهای فرهنگی جامعه، هویت و ارتباطات در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال، «وب» معتقد است تصاویر مرزی فضای مجازی، نشانه تغییری پسامدرن از انسان محصور به انسان نامحصور مجهز به کامپیوتر است. پوستر، مدعی است فناوری‌های اینترنتی فرهنگ دومی را پدید آورده است. «فرهنگی غیر از مبادلات همزمان نشانه‌ها و صداها بین افراد، در فضای واقعی و زمینی». او پیش‌بینی می‌کند که پیامدهای فرهنگی این نوآوری، باید سبب تخریب و نابودی «مدرن» گردد و برای این بافت، گزاره‌هایی از نظریه‌های پسامدرن اندیشمندانی نظیر فوکو، هایدگر، دلوز و دریدا را که عقاید مدرن درخصوص پیشرفت، شخصیت تعریف‌پذیر و وجود مبانی مطلق برای ساختار علم را به چالش کشیده‌اند، از نو تدوین می‌کند (www.mapsoword.com/referrals/html).

در همین ارتباط، نظریه‌های روابط بین‌الملل با فقر چنین ادبیاتی مواجهند. نظریه‌های ایستایی همچون واقع‌گرایی و نواقع‌گرایی، توان پاسخ‌گویی به تحولات نوظهور در سطح داخلی کشورها و در سطح سامانه بین‌المللی را ندارند. وب‌سایت‌ها و ابزارهای دنیای مجازی که روزگاری موضوعی جدید و حاشیه‌ای محسوب می‌شدند، حال به پدیده‌ای فراگیر تبدیل شده‌اند. این ابزارها که تحولات شبکه‌های ارتباطی نیز در گسترش آنها نقش داشته‌اند، این روزها از طریق «اینترنت همراه» هم به سادگی قابل دسترسی هستند. به گروهی از رسانه‌های

آنلاین که در این فضای جدید متولد شده‌اند، عنوان رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی داده شده است. ثبت حدود ۱۲۰ میلیون وبلاگ، مشاهده حدود ۱۶۰ میلیون ویدئو در سایت یوتیوب و نزدیک به ۵۰۰ میلیون عضو فیس‌بوک، همگی نشانه‌های اهمیت فراوان پدیده رسانه‌های اجتماعی هستند (www.crossing.co.uk/Fileadmin).

در بستر چنین تحولاتی و ناتوانی جریان اصلی روابط بین‌الملل، شاید برخی از جریان‌های غیراصولی همچون سازه‌انگاران رادیکال و پساتجددگرا توانسته‌اند خود را با تحولات شتابان اجتماعی جهانی همراه سازند.

ژان بودریار از نویسندگان پساتجددگرا، تحلیلی از جامعه نوین دارد که در اینجا حائز اهمیت است. او بر آن است که در عصر جدید، شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای، پردازش اطلاعات، رسانه‌ها، سامانه‌های کنترل سیبرنتیک و سازمان‌دهی جامعه بر اساس مدل‌ها و کدهای شبیه‌سازی^۱ «نشانه‌ها»، اهمیت فزاینده‌ای می‌یابند. آنها به نظم جدید اجتماعی قوام می‌بخشند و نشانه‌ها بر زندگی اجتماعی حاکم‌اند. بودریار، با طرح مفهوم «ابرواقعی»^۲، بر آن است که در این شرایط، امر غیر واقع بیشتر از خود واقعیت، واقعی است، یعنی واقعی که به شکل مصنوعی تولید شده، واقعی‌تر از واقعی است. تصاویر زنده میدان آزادی (التحریر) قاهره از شبکه‌هایی همچون الجزیره، شور و هیجان آن میدان را به جهان صادر می‌کرد و موقعیتی ابرواقعی از آنجا منعکس می‌ساخت.

به این ترتیب، بودریار نشان می‌دهد چگونه نشانه‌ها و تصاویر به عنوان سازوکارهای کنترل در فرهنگ معاصر عمل می‌کنند. برداشت او به رغم اینکه قدرت را چنان منتشر و انتزاعی می‌داند که قابل پیگیری نیست و اساساً مبارزه با آن را به نوعی ناممکن می‌داند، از نظر توجه به ابعاد جدیدی از جامعه و قدرت که در رسانه‌ها و نشانه‌ها دیده می‌شود، حائز اهمیت است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۵۶).

در همین پیوند و مطالعه ارتباط میان تحولات گفتمانی فضای مجازی و روابط بین‌الملل، جوزف نای معتقد است رویکرد واقع‌گرایانه نسبت به سیاست جهانی، نسبت به بی‌توجهی به

1. Simulation
2. hyperral

انبوهی از اطلاعات، بسیار مهم می‌شود. واقع‌گراها، مطالعات خود را بر تعاملات دولت با دولت متمرکز کرده‌اند. جوامع داخلی کشورها تنها از طریق دولت‌هایشان بر این تعاملات تأثیر می‌گذارند، اما نای معتقد است تعامل‌های مستقیم فرهنگی شهروندان و گروه‌ها با دولتی دیگر و تعامل میان سازمان‌های بین‌دولتی، اغلب ائتلاف‌های جالب توجه جدیدی ایجاد می‌کنند و بر سیاست تأثیر می‌گذارند (نای، ۱۳۸۷: ۱۴).

به عنوان مثال، در بحبوحه انقلاب‌های مصر و تونس، شاهد بودیم که شهروندان این دو کشور و از جمله فعالان حقوق بشری، اخبار و اتفاقات اجتماعی و سیاسی و حتی امنیتی را چگونه از طریق کانال الجزیره مباشر (الجزیره زنده) وابسته به دولت قطر، بازتاب می‌دادند. این تحول بدین معناست که سیاست خارجی، عرصه‌ای نخواهد بود که صرفاً حکومت‌ها در آن حضور داشته باشند. سازمان‌های مرتبط با افراد و بخش خصوصی، در داخل و خارج کشور، از این توان برخوردار خواهند شد که نقش مستقیمی در سیاست جهانی ایفا کنند (نای، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

در انقلاب‌های عربی، شاهد نوعی اجتماعات معرفتی^۱ هستیم. این اجتماعات به دلیل اینکه مختص به یک کشور نیست، بر روابط کشورهای عرب با یکدیگر و با اسرائیل و غرب تأثیر می‌گذارد و می‌تواند موضوع به بحث‌انگیزی برای روابط بین‌الملل مبدل شود.

ب. خاورمیانه، فناوری اطلاعات و نظریه‌های روابط بین‌الملل

خیزش‌های مردمی در کشورهای هم‌چون مصر، تونس، بحرین، یمن، اردن هاشمی و پادشاهی مغرب و الجزایر، همگی نشان‌دهنده این نکته است که خاورمیانه‌ی جدیدی متولد شده است. خاورمیانه که از منظر واقع‌گرایی سیاسی، دولت با اعمال و نظارت و کنترل بر اینترنت، نوعی پوپولیسم اینترنتی را به وجود می‌آورد. امروزه، بهار عرب به نوعی نماد رد رویکرد واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل به شمار می‌رود.

1. Epistemic Communities

در واقع، دانشمندان حوزه روابط بین‌الملل، بهای ناچیزی به مقوله فناوری اطلاعات در نظریه‌های خود داده‌اند؛ جز در مواردی همچون تروریسم و جنگ‌های سایبری.

دانشمندان فناوری اطلاعات هم بیشتر بر روی نوعی سیاست مقایسه‌ای یا مطالعات فرهنگی و یا روان‌شناسی ارتباطات میان‌فرهنگی متمرکز شده‌اند (Kech and Sikkink, 1998). از این رو، ارتباط میان فناوری اطلاعات و تغییرات در سطح دولت‌ها، توسط جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌های مجازی، کمتر مورد بحث قرار گرفته است. بنابراین، بهتر است تغییرات صورت گرفته در خاورمیانه را از سه منظر واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری، با تکیه بر گفتمان فضای مجازی، به صورت کلی بیان کنیم.

واقع‌گرایان در باب تغییرات در منطقه خاورمیانه معتقدند دولت‌های این منطقه، قدرت نهایی در جهت مدیریت و گسترش و تحول فناوری اطلاعات را دارند؛ همچنانکه در گذشته، از پس چالش‌های بزرگتری همچون موج ناسیونالیسم عرب در دهه ۱۹۶۰ م و بنیادگرایی دینی در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ م، برآمدند و همچنان پابرجا و استوار باقی مانده‌اند. پس در نهایت، دولت‌های عرب می‌توانند بر تهدیدات نوینی چون هجوم فناوری اطلاعات و فضای مجازی فائق آیند (The Economist, 29. April, 2006).

در مقابل، لیبرال‌ها، معتقد نیستند کشورهای خاورمیانه بتوانند با توجه تحولات بین‌المللی بر فضای اینترنت کنترل داشته باشند، چرا که جهانی‌شدن نیرویی است که حتی جوامع و سیاست در خاورمیانه را بر روی گروه‌های مخالف سیاسی در جهان عرب می‌گشاید. با وجود این، لیبرال‌ها معتقدند کشورهای عرب خاورمیانه، چون با بی‌ثباتی‌های سیاسی منطقه‌ای و خشونت مواجهند، هیچ راهی جز دموکراتیزه‌شدن ندارند (Solhi, 2007: 123).

در مقابل واقع‌گرایان و لیبرال‌ها، سازه‌انگاران نوعی رویکرد میانه را ارائه می‌دهند. آنها در عین حال که دولت‌ها را به عنوان کنشگر عمده تغییرات سیاسی و اجتماعی می‌نگرند، بر نقش گفتمان‌ها و ایده‌های فرهنگی، همچون مردم‌سالاری، اسلام، قومیت و گروه‌های جدید اجتماعی (جنبش‌های جوانان به عنوان نمونه) در خاورمیانه و جهان برای گسترش تغییر تأکید می‌کنند. سازه‌انگاران معتقدند ایده‌ها و گفتمان‌هایی که به طور طبیعی از مرزها عبور می‌کنند، قابلیت تأثیر بیشتری برای تغییرات اجتماعی به نسبت واقع‌گراها و لیبرال‌ها برای تحلیل جوامع

دارند. به عبارتی، سازه‌انگاران بر این باورند که، فناوری اطلاعات (آی تی)، مردمانی را که در ارزش‌ها و هویت با هم مشترکند، به هم متصل می‌کند. در نتیجه، فناوری اطلاعات و دنیای مجازی، مسلمانان در خاورمیانه و شمال آفریقا را در مواجهه با مسائلی همچون دولت‌های ناکام، مردم‌سالاری و غیره، آگاه و فهمشان را به یکدیگر نزدیک می‌کند. بنابراین، دولت‌ها در مقابل این آگاهی تن به تغییر می‌دهند و نمی‌توانند خود را همان گونه که واقع‌گراها می‌گویند، حفظ کنند (Buzan, 1998: 133).

انقلاب‌های عربی، نشان داد چگونه دولت‌های دیکتاتور عرب در مقابل موج مردم‌سالاری و آگاهی مشترک عربی، همان گونه که سازه‌انگاران می‌گفتند، شکست خوردند. این آگاهی و ایده مشترک «مردم‌سالاری عربی» در خیزش جوانان از مصر و تونس تا لیبی و بحرین، نشان‌دهنده ناکامی تحلیل دولت‌محور و واقع‌گرایانه در خاورمیانه عربی است. رویکرد واقع‌گرایی، با نادیده گرفتن فضای گفتمانی مجازی که در آن قواعدی همچون مردم‌سالاری و هویت مشترکی همچون عربیت جدید مبتنی بر احترام به فرد عرب در مقابل پدرسالاری و جمع‌گرایی عربی مسلط است، به پیروزی انقلاب‌های عربی کمک کرده و این پیروزی با ابزار اینترنت و رسانه‌های ماهواره‌ای همراه شده است.

ج. انقلاب‌های عربی از منظر تحلیل ساختار - کارگزار

برای بررسی بیشتر نقش فضای گفتمانی دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی، بهتر است این پدیده را از منظر تحلیلی که نشان‌دهنده تأثیر متقابل کنش جمعی جوانان عرب به عنوان «کارگزار» و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای به عنوان «ساختار» است، مورد کندوکاو قرار دهیم.

به احتمال بسیار، مؤثرترین نوشته درباره مسأله ساختار و کارگزار در نظریه اجتماعی و سیاسی، نظریه ساخت‌یابی^۱ آنتونی گیدنز است. او تلاش نموده از طریق فهمی دیالکتیکی از رابطه میان ساختار و کارگزار به این امر برسد. این رابطه دیالکتیک، بیانگر اعمال و فرایندهای

1. structuration theory

اجتماعی به وسیله مهارت‌های سازنده و فعالانه اعضای (جامعه)، آن گونه که کنش‌گران به لحاظ تاریخی قرار گرفته‌اند و نه تحت شرایط انتخابی خودشان، ایجاد شده‌اند. این نکته، گیدنز را به سوی به رسمیت شناختن دوگانگی ساختار سوق می‌دهد، بدین معنا که «ساختارهای اجتماعی ساخته کارگزاری انسان هستند، ولی در عین حال، ابزار و وسیله این ساخت نیز می‌باشند» (مارش و استوکر، ۱۳۸۸: ۳۱۵). بسط نظری و کاربردهای این نظریه را در حوزه روابط بین‌الملل، به ویژه در نظریه سازه‌نگاری ونت شاهدیم.

با توجه به این نظریه، متوجه می‌شویم که چگونه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به مثابه ساختار و از دیدگاه کل‌گرایانه، یک جامعه، معین می‌کند چگونه اعضای آن رفتار کنند و چه رابطه‌ای با هم داشته باشند (فی، ۱۳۸۶: ۱۱۶) و بالاخره، چگونه کارگزاران اجتماعی در خلق آن فضا و گفتمان مؤثرند؟ با وجود این، در خیزش جوانان عرب، نوعی رابطه دیالکتیک میان کنش جمعی و فردی آنان با ساختار یا گفتمان شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ای وجود داشت و این رابطه، به ساخته‌شدن انقلابیون و انقلاب عرب کمک کرد.

با درک این سطح از تحلیل که عمدتاً از نظریه‌های غربی استخراج شده بود، هم‌اکنون جا دارد برای تبیین مسأله تأثیر فضای گفتمانی شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای بر انقلاب‌های عربی، بر نظرات پژوهش‌گران عرب و کسانی که خود بعضاً در میادین شهرهای عربی، انقلاب‌های خود را ساخته‌اند، تکیه کنیم.

دکتر یوسف جبارین، مدیر مرکز پژوهش‌های عربی حقوق و سیاست معاصر، درخصوص دو انقلاب مصر و تونس، معتقد است این خیزش‌ها با شعار «نه به خشونت»^۱ و با تکیه بر حقوق بشر، عدالت اجتماعی و دولت پاک و همچنین، مساوات اجتماعی به پیروزی رسید. جبارین معتقد است ایده مشترک «بازسازی شخصیت عربی» از طریق رسانه‌های مدرن در جهان عرب، در این انقلاب‌ها در حال تکوین است (جبارین، ۲۰۱۱: ۳).

ابوزید، مدیر تحریریه مجله النهار یمن نیز با دیدگاهی جامعه‌شناسانه معتقد است جوانان عرب امروزه برای به دست آوردن وجود اجتماعی و هستی‌شناختی^۲ خود و همچنین، ایفای

۱. والا - عنف

۲. الوجود الاجتماعي / والکونی

نقش فعال در زندگی سیاسی و اجتماعی، به فضای مجازی و دنیای اینترنت رو آورده‌اند و این به معنی به چالش کشیدن دولت‌های عرب در اینترنت است. او معتقد است جوانان عرب به خوبی از عصر جهانی شدن و شبکه‌های اجتماعی برای به بار نشاندن این ایده استفاده می‌کنند (ابوزید، ۲۰۱۱: ۵). به عبارتی، منطقه عربی به دلیل اینکه میانگین یک سوم از جمعیت ساکن در آن را جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهد، موقعیتی متفاوت با بقیه جهان دارد.

این گروه سنی، از مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و مهمتر از آن، بیکاری رنج می‌برند. سطح بیکاری در جهان عرب به بالای ۲۵ درصد رسیده است. نزدیک به ۷۲ درصد از این جمعیت در بخش غیررسمی کار می‌کند و بیش از ۵۰ درصد از میانگین سنی ۲۵ تا ۲۹ سال این جامعه، ازدواج نکرده‌اند. در کنار این عوامل، فساد، نبود مردم‌سالاری، ضعف احزاب و سازمان‌های جامعه مدنی و تجاوز به حقوق بشر و انصراف جوانان از مشارکت سیاسی از راههای قانونی، باعث هجوم بیش از شصت درصد از جمعیت جوان عرب به دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، برای برجستگی و اهمیت سوژگی خود شده است (مدلسی، ۲۰۱۱).

این جوانان، در سال‌های اخیر، با گسترش رسانه‌های عمومی و وسایل ارتباطاتی جدید و کانال‌های ماهواره‌ای، مانند الجزیره و با پناه بردن به شبکه‌های اجتماعی، در پی رهایی از قید حصارهای دیکتاتوری و پدرسالاری عربی برآمدند (الاهرام، ۲۰۱۱). در ادامه، برای عینی‌تر کردن نقش شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای در انقلاب‌های عربی، موارد مصر، تونس و بحرین مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. تونس، انقلاب یاس^۱

الفه لملوم در مقاله‌ای به نام «رسانه اجتماعی و انقلاب نسل جدید عربی»^۲ در باب نقش رسانه‌های جمعی عربی مانند الجزیره و تارنما‌های تونس در وقوع انقلاب یاس تونس قلم زده است. او مقاله‌اش را این چنین آغاز می‌کند که در ژانویه ۱۹۷۸، اعتصاب عمومی توسط سندیکای مرکزی در تونس، برای اولین بار در جهت استقلال عمل «اتحادیه عمومی کار» از

۱. الثورة الياسمين

۲. الاعلام الاجتماعي و ثورة الجيل العربي الجديد

مؤسسات دولت بورقیبه به وقوع پیوست. در ژانویه ۱۹۸۴، قیام مردمی گسترده‌ای در اقصی نقاط تونس، برای اولین بار بر علیه رئیس جمهور حبیب بورقیبه به منظور عقب‌نشینی از بالابردن قیمت مواد اولیه، بدون تصمیم مردمی برگزار شد. همچنین، در ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، انقلابی مردمی در عرض سه هفته، باعث فرار اولین حاکم عرب (بن علی) از ترس خشم خیابانی شد. لملوم معتقد است مهمترین و تأثیرگذارترین عنصری که بر خلاف اعتصاب عمومی ۱۹۷۸ و قیام نان ۱۹۸۴ در پیروزی انقلاب ۲۰۱۱، دخیل بود، همانا، نقش مستقیم و قابل توجه رسانه‌های جدید مانند فیس بوک و کانال‌های ماهواره‌ای مانند الجزیره است (لملوم، ۲۰۰۱: الجزیره نت).

روش روزنامه‌نگاری و خبررسانی مدرن کانال الجزیره، از سال ۱۹۹۶ به بعد، بدون شک گفتمان متفاوت و چالش‌برانگیزی را در برابر روش‌های رسمی و حکومتی تبلیغاتی در جهت منویات سیاسی و ائتلاف‌های منطقه‌ای حاکمان عرب به ارمغان آورده است.

این کانال خبری، به دلیل دعوت از نیروهای مخالف (اپوزیسیون) و فعالین سیاسی و حقوقی تونس و بر ملاکردن فساد و مصادره آزادی‌ها و افشای شکنجه‌های حکومت بن علی بر ضد اسلام‌گراها و چگونگی تقلب در انتخابات تونس، باعث بسیج افکار عمومی و دستکاری گفتمان انقلابی در تونس شد. با وجود این، به رغم ممنوعیت فعالیت شبکه الجزیره در تونس و پس از اعلام سراسری تظاهرات در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، رویروی مقرر وزارت کشور تونس، کانال الجزیره به پوشش گسترده آن اقدام کرد. مردم حاضر در این تظاهرات، تصاویری از الجزیره در دست داشتند که بر آن نوشته بودند «تشکر، تشکر الجزیره». این شبکه، به رغم اینکه تمامی رسانه‌های غربی مشغول پوشش جشن‌های سال نوی میلادی بودند، اقدام به بازتاب صحنه‌های حیرت‌آور انقلاب تونس کرد. این از اولین جرقه‌های انقلاب‌های عربی بود (لملوم، مرجع نفسه). به لحاظ تاریخی، می‌توان آغاز تحرک مجازی و الکترونیکی در تونس را به تاریخ ژانویه ۱۹۹۸ و هنگامی که دو جوان تونسی با اسامی مستعار فوتس^۱ و وترمان^۲ اقدام به اشتراک‌گذاری در ویلاگ خود کردند، ارجاع داد.

1 . Foetus

2 . Waterman

تونس نیز، دیگر تارنمای تونس، در می، ۲۰۰۱ توسط زهیرا الیجیواوی به نشر اخبار دانشگاه‌های تونس و اخبار سرکوب و بیانیه‌های احزاب و تجمعات آنان می‌پرداخت که در انقلاب ۲۰۱۱ تونس نیز از اهمیت زیادی برخوردار بود. پایگاه‌های خبرسانی «نواه» و «استفاه» از دیگر منابع اطلاع‌رسانی تونس بود که هر کدام در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴ به عنوان شبکه‌های اجتماعی تونس ظهور کردند و در انقلاب اخیر مردم تونس، نقش عمده‌ای داشتند.

بنابراین، اولین انقلاب مردمی در دسامبر ۲۰۱۰ اتفاق افتاد و گروه‌های جوانان فیس بوکی تونس، مردم را به شرکت در تظاهرات علیه اقدام پلیس به دلیل خودسوزی «بو عزیز» جوان سبزی‌فروش، دعوت کردند. فیس بوک و توئیتر جوانان تونس، اقدام پلیس و نیروهای امنیتی در شلیک مستقیم گلوله علیه تظاهرکنندگان در این مراسم را به سراسر جهان مخابره کردند. اعتراضات پس از کشیده‌شدن به شهر بوزید و قصرین و روبروی وزارت کشور در پایتخت، الجزیره را نیز وارد کارزار انقلاب کرد (لوسمی، ۲۰۱۱).

۲. مصر، انقلاب نیل

انقلاب بزرگ مردم مصر با توجه به شیوه‌های نوین آن، به انقلاب پست‌مدرن یا انقلاب سفید مشهور است. این انقلاب را جمهوری دوم نیز می‌دانند. به عبارتی، جمهوری اول به دوره زعامت جمال عبدالناصر برمی‌گردد. بنابراین، می‌توان این گونه بیان داشت که گروه‌های اصلی دعوت‌کننده در روز ۲۵ ژانویه که مصادف بود با اولین برگزاری نماز جمعه اعتراضی (جمعه خشم)، عبارتند بودند از جنبش ۶ آوریل که متشکل از گروه خالد سعید و جوانان اخوان^۱، حمایت‌کنندگان از البرادعی، جنبش جوانان عدالت و آزادی^۲ و گروهی از جوانان حزب جبهه مردم‌سالاری و حرکت الغد. این گروه‌ها، ابتدا در فیس بوک و با الهام از انقلاب تونس، اقدام به راه‌اندازی صفحه فیس بوکی «جمعه خشم» کردند.

۱. معاسنغیر (با هم تغییر خواهیم داد)

۲. حنغیر (به لهجه مصری یعنی تغییر ایجاد می‌کنم)

بلافاصله، جنبش تغییر مردمی دموکراسی (حشد) و اتحاد جوانان التجمع و گروه‌های ناصری و حتی جوانان حزب الوفد و جبهه جوانان قبطی به این دعوت شبکه‌ای پیوستند و این گونه بود که انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر رقم خورد (عبدالحی، ۲۰۱۱: ۴).

بنابراین، انقلاب ۲۵ ژانویه، نتیجه خلاقیت در استفاده از منابع قدرت جدید در جامعه مصر از طریق کاربرد شبکه‌های اجتماعی، همچون فیس بوک و توئیتر و نظایر آن بود. این فناوری‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به شکلی بی‌سابقه در برپایی بسیج جوانان و گردهمایی آنان در میدان التحریر قاهره و شهر اسکندریه، نقش حیاتی را به رغم فشارهای امنیتی ایفا نمود. یکی از این گروه‌های بزرگ فیس بوکی، «ما همه خالد سعید هستیم» (کلنا خالد سعید) بود که نزدیک به ۴۰۰ هزار جوان اینترنتی را مهیای بسیج در فعالیت‌های اعتراضی در تاریخ ۲۵ ژانویه کرد.

ریشه اصلی این اعتراض سراسری، به دعوت این گروه در اعتراض به تقلب در انتخابات پارلمانی پایان سال ۲۰۱۰ میلادی مصر می‌رسد. از میان افراد دیگری که به صورت مستقل و جدا از ایدئولوژی‌های حزبی به صورت مجازی در انقلاب مصر مشارکت داشتند، می‌توان به افرادی همچون وائل غنیم، عبدالرحمن فارسی و احمد دومه اشاره کرد. این گروه، هم‌اکنون مشغول راه‌اندازی حزب جدیدی به نام «جریان مصری»^۱ هستند.

همچنین، جوانان مصری خارج از کشور نیز از طریق فیس بوک اقدام به راه‌اندازی صفحه‌هایی در باب اخبار انقلاب مصر کردند، صفحه‌هایی که پیش از آن شخصی بود و در پرتو گفتمان انقلابی و فیس بوکی، به صفحه‌های اخباری و تبلیغاتی نمایش اخبار و ویدئوهایی از صحنه‌های نبرد خیابانی مردم مصر با نیروهای امنیتی و لباس شخصی (البلطجیه) مبدل شدند (عبدالحی، مرجع نفسه: ۵). بنابراین، به چالش کشیدن دولت حسنی مبارک توسط جوانان اینترنتی مصری، نه تنها جهان عرب، بلکه بسیاری از کشورهای مختلف را با این واقعیت روبرو ساخت که جهان جدید فیس بوکی آغاز شده و این آغاز به معنای تغییر اساسی در روش و نوع مدیریت سیاسی ملی و بین‌المللی است.

در مجموع، رسانه‌های اجتماعی در انقلاب مردم مصر، به خصوص شبکه‌های اجتماعی، تا قبل از مسدود شدن اینترنت، برای سازمان‌دهی اعتراضات ضد دولتی به کار گرفته شدند.

۱. التیار المصری

اگرچه، سرویس اینترنت از کار افتاده بود، اما معترضین از روش‌های جایگزین استفاده کرده و پیام‌ها را توئیت می‌کردند (فاروق، ۲۰۱۱).

در جریان ناآرامی‌های مصر، الجزیره، گزارشی از فعالیت‌های آنلاین معترضین مصری در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرد. این شبکه، تأکید داشت که شبکه‌های اجتماعی آنلاین توسط فعالان برای برقراری ارتباط و سازمان‌دهی اعتراضات ضد دولتی به کار گرفته شدند. مقامات مصری نیز اینترنت و خدمات تلفن همراه را برای سرکوبی و فرونشاندن اعتراضات ضد نظام مسدود کردند، اما این اقدامات دیر به اجرا درآمد. در همین ارتباط، معترضین، اخبار آنلاین مربوط به اعتراضات روز جمعه (جمعه خشم) را منتشر کردند و فهرست میدان‌هایی که مردم باید در آنها جمع می‌شدند را به گوش همه می‌رساندند.

این فراخوان‌ها در توئیتر و فیس بوک، از ابتدای صبح جمعه منتشر شد. یک کاربر توئیتر نوشت، معترضین مصری از مسجد و کلیسا شروع کردند و هم مسلمانان و هم مسیحیان (قبطی‌ها)، همه حضور داشتند. تظاهرات در خیابان‌های قاهره در ابتدا به صورت پراکنده و در فضایی آکنده از عدم اعتماد به نفس آغاز شد، مردم با شعار «بیائید، بیائید» دیگران را دعوت به تظاهرات کردند. پس از آن، رسانه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای، همچون العربیه و الجزیره، از خیزش عمومی و فریاد «الشعب یرید اسقاط النظام» سخن گفتند (مروان، ۲۰۱۱: ۳). نام‌گذاری‌های روز جمعه و تظاهرات پس از نماز جمعه، یکی از روش‌های جدید انقلاب مردم مصر بود. از جمعه خشم در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ تا جمعه رفتن یا جمعه فرار^۱ و بالاخره، جمعه پایانی^۲، از طریق همین شبکه‌های اجتماعی سازمان‌دهی می‌شد. به عبارتی، در جمعه پایانی به تاریخ ۲۰۱۱/۲/۱۱، همگان شاهد بودند که فشار شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای برای تشویق مردم و حرکت آنان از میدان التحریر تا کاخ حسنی مبارک، چگونه موجب اعلام بر کناری مبارک توسط عمر سلیمان (معاون وی) شد (مروان، مرجع نفسه: ۶).

جوانان مصری در سایه فقدان ایدئولوژی و گفتمان واحد در صحنه سیاسی عینی کشورشان، حرکتی را آغاز کردند که نگاه جامعه‌شناسان و متخصصان علوم سیاسی به

۱. جمعه الرحیل

۲. جمعه الحسم

جنبش‌های مجازی و آنلاین را تغییر داده و پژوهش‌گران روابط بین‌الملل را به این اصل اساسی باورمند کرد که مفهوم قدرت، به طور شگرفی در دنیای مجازی و عصر ارتباطات تبلور یافته است.

فعالان ۶ آوریل^۱، خودشان را جوانان مصری که هیچ وابستگی به جریان‌های سیاسی ندارند، معرفی و هدفشان را تحول در صحنه سیاسی مصر اعلام کرده‌اند. این جنبش، در سال ۲۰۰۸ میلادی از لابه‌لای صفحه‌های فیس بوک با بیش از ۷۵ هزار عضو جوان برای دعوت از مردم مصر به منظور سازمان‌دهی اعتصاب عمومی آوریل ۲۰۰۸ در همراهی با کارگران کارخانجات اعلام موجودیت کرد. کشته‌شدن سه نفر و بر جای ماندن دهها زخمی در این تظاهرات، جوانان ۶ آوریل را به عنوان یکی از جریان‌های سیاسی نامرئی مصر مبدل ساخت. گرچه دعوت سراسری این گروه برای اعتصاب آوریل ۲۰۰۹ به شکست انجامید، ولی جنبش سایبری ۶ آوریل در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، پس از مشارکت آنها در تأسیس «ائتلاف جوانان انقلاب»، با همکاری جوانان اخوان المسلمین، الجبهه، عدالت و آزادی و همچنین، حمایت از کاندیداتوری البرادعی، چه در انتخابات ریاست جمهوری و چه در اقدام او جهت بازگشت به مصر در روز جمعه خشم، این جریان اجتماعی فیس بوکی را به یکی از جریان‌های مهم در وقوع و تکوین انقلاب مصر مبدل ساخت (عبداللهی، ۲۰۱۱: ۸).

شعارهایی نظیر «حق را به کشورم بازخواهم گرداند»^۲ و «همه ما فدای مصر»^۳ در توتیر و فیس بوک و انتشار آن در خیابانهای مصر، نشان‌دهنده عمق و تأثیر بسزای شبکه‌های اجتماعی در انقلاب مردم مصر بود (عبداللهی، مرجع نفسه، ۹).

مطابق آمار رسمی، کاربران اینترنتی در مصر، قبل از ۲۵ ژانویه بالغ بر ۲۱/۲ میلیون نفر بود که بعد از انقلاب، به ۲۳/۱ میلیون نفر افزایش یافته است. گزارش تکنو وایرسی می‌افزاید که تأثیر شبکه‌های اجتماعی، همچون فیس بوک و تویتر، به حدی در انقلاب مصر زیاد بود که

۱. شباب السادس من ابریل

۲. هارجع حق بلدی

۳. کلنا فداکی یا مصر

قبل از ۲۵ ژانویه، ۴/۲ میلیون نفر از این شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند که پس از انقلاب، به ۶ میلیون نفر رسیده است (میلیون مستخدم جدید اینترنت فی مصر، ۲۰۱۱).

۱- ۲. الجزیره و انقلاب مصر (الجزیره مصر)

تلویزیون ماهواره‌ای عرب، محمل نوینی برای شکل‌گیری تجربه و هویت مشترک در میان اعراب بوده است. این موضوع بنا به گفته «نویل»، جهان عرب را به «تالار صوتی عظیم» تبدیل کرده که در آن، نظرات و اطلاعات در سطح گسترده در حال گردش است (هینبوش، ۱۳۸۲: ۷۲). کانال الجزیره، به دلیل پوشش مستمر اعتراضات خیابانی در بعضی کشورهای عربی (جز بحرین)، به کنش‌گر اصلی غیرحضور در خیابان‌های عربی مبدل شد. برخی تحلیل‌گران معتقدند کانال خبری الجزیره، به هنگام تعطیلی دفترش در قاهره، بیش از هر زمان دیگری به کنش‌گر اصلی در تحریک خیابانی، چه در سقوط بن علی و چه در سرنگونی رژیم مبارک تبدیل شد.

یکی از مواردی که کانال الجزیره را در مصر به کنش‌گر اصلی رسانه‌ای تبدیل کرد، استفاده از «یوسف القرضاوی»، یکی از ستارگان کانال مزبور و مشهور جهان عرب بود. القرضاوی به رغم اعلام منع آمد و شد در خیابان‌های قاهره، در پیام تلویزیونی به مردم مصر، از آنها خواست تا سرنگونی مبارک به خانه‌هایشان برنگردند، او از کانال الجزیره به صورت زنده، مشارکت در تظاهرات را واجب شرعی اعلام کرد. قرضاوی، مصری‌الاصیل مقیم قطر، اعلام می‌کرد مبارک برو^۱، به این مردم رحم کن^۲، برو تا خرابی مصر افزایش نیافته^۳.

در همین خصوص، عبدالله الخالق عبدالله، تحلیل‌گر اماراتی معتقد است دولت‌های عرب، کانال الجزیره را متهم به تشویق خرابکاری می‌کنند و این از خوش‌شانسی‌های این کانال است. عبدالله معتقد است در خلال بحران تونس و تظاهرات مردم مصر، الجزیره کنش‌گر مهمی بود و اگر الجزیره نبود، جنبش مردمی به این قوت تحریک و تشویق نمی‌شد. همچنین، تحلیل‌گر

۱. ارحل یا مبارک

۲. ارحم هذا الشعب

۳. ارحل حتی لايزداد خراب مصر

سیاسی لبنانی مقیم لندن، «عبدالوهاب بدرخان» معتقد است پوشش خبری الجزیره باعث شد این شبکه در تونس از خیابان سبقت بگیرد و در قاهره، به تظاهرات‌کنندگان ملحق شود (قناة الجزیره و الصفحه، ۲۰۱۱: ۳).

به بیان دیگر، نقش کانال الجزیره به مراتب بیشتر از رادیو صوت العرب جمال عبدالناصر رئیس جمهور سابق مصر است (عبدالله، ۲۰۱۱، الصفحه).

روزنامه واشنگتن پست در بحبوحه بهار عرب، از پوشش خبری و گسترده انقلاب‌های عربی، به دلیل اینکه منطقه خاورمیانه را به هم ریخته و امنیت آن را مختل کرده، به شدت انتقاد کرد (واشنگتن پست تنتقد تغطیه الجزیره للثورات العربیه، ۲۰۱۱).

در انقلاب مصر، به رغم قطع برنامه‌های کانال‌های الجزیره و العربیه بر روی نایل ست و عرب ست، به دلیل ارسال پارازیت از سوی مصر و لیبی، العربیه و به ویژه الجزیره، اقدام به پخش برنامه‌های خود از میدان التحریر بر روی فرکانس‌های جدید کردند. با وجود این، کانال الجزیره در اقدامی نادر، به تمامی کانال‌های عرب‌زبان اجازه داد برنامه‌های این کانال خبری را به صورت انحصاری پوشش دهند. این اقدام الجزیره مورد استقبال بسیاری از کانال‌های پرمخاطب عرب در بازتاب و پوشش انقلاب مصر قرار گرفت (القناة الجزیره، ۲۵ ینابر / کانون الثانی، ۲۰۱۱).

حدود ۱۲ کانال عرب‌زبان کوچک و بزرگ، برنامه‌های خود را قطع و شروع به پخش برنامه‌های الجزیره خبری بر روی فرکانس‌های خود کردند و میدان التحریر آنلاین را برای بینندگان عرب، بازتاب دادند (شریت، ۲۰۱۱: ۸).

همچنین، پس از انقلاب مصر، الجزیره، به سرعت کانال مستقلی را به نام «الجزیره زنده مصر» افتتاح کرد و هم‌اکنون در تکوین انقلاب مصر، نقشی اساسی بازی می‌کند (الجزیره مصر، ۲۰۱۱).

شاید نظر «فیلیپ سیب»، پروفیسور رشته روزنامه‌نگاری و دیپلماسی عمومی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در کتاب معروف او به نام «تأثیر الجزیره (چگونه رسانه‌های جدید جهانی تشکیل سیاست بین‌المللی را می‌سازند)، اعتبار عینی‌تری به نوشته‌های بالا بدهد. او معتقد است بدون الجزیره، سیاست و دیپلماسی عمومی در خاورمیانه نمی‌تواند مطالعه شود. فیلیپ

سیب، یادآوری می‌کند که الجزیره، به دلیل به کارگیری ابزارهای رسانه‌ای جدید توانسته از نظر بین‌المللی، سرآغاز آگاهی از مردم‌سالاری در جوامع عرب شود (سیب، ۲۰۱۱: ۱۰).

۳. قیام بحرین؛ از فیس بوک تا کانال‌های عرب‌زبان

آنچه در بحرین گذشت و می‌گذرد، قیام و انقلاب مردم ضد نظام وراثتی و استبداد پادشاهی است. نظام حاکم بر بحرین، حداکثر استفاده را از شیعه‌بودن اکثریت مردم برای ترویج اتهام وابستگی این قیام به کشورهای شیعی کرده است. سکوت شیخ یوسف القرضاوی و روشنفکران عرب در مقابل این انقلاب، نشان‌دهنده تحت‌الشعاع قرارگرفتن این انقلاب از تأثیر عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی است. به عبارتی، ورود بیش از هزار سرباز سعودی (با تجهیزات کامل نظامی) و نیروهای دیگری از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، طبق توافقنامه سپر جزیره^۱، بحرین را به کشوری اشغال‌شده تبدیل کرد. سکوت کانال‌های ماهواره‌ای عرب‌زبان در قبال این تحولات، از العربیه گرفته تا الجزیره، نشان‌دهنده اعمال نفوذ دولت قطر، در جهت تحت فشار قراردادن الجزیره برای امتناع از پوشش این قیام مردمی و کم‌رنگ جلوه‌دادن حضور بیش از ۱۵۰ هزار بحرینی در میدان مروارید بود (سید احمد، ۲۰۱۱).

هماهنگی الجزیره و العربیه با تلویزیون رسمی بحرین در پوشش اخبار قیام ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، مورد انتقاد بسیاری از رسانه‌های مستقل و شیعه و همچنین بحرینی‌های خارج از این کشور قرار گرفت. در همین زمینه، احمد یلقمری، یکی از پژوهش‌گران عرب، در روزنامه الوطن چاپ الجزایر، با انتقاد از گفتمان رسانه‌ای شبکه الجزیره که بیش از ۵۰ میلیون مخاطب در جهان عرب دارد، از دوگانگی این کانال در قبال پوشش وقایع بحرین ابراز تأسف کرده و اقدام الجزیره را نوعی دوری‌گزیدن از اساسنامه سال ۱۹۹۶ مبنی بر پوشش اخبار بی‌طرف می‌داند (یلقمری، ۲۰۱۱، الوطن الجزایری).

همچنین، از زمان اعلام روز خشم توسط جوانان بحرینی در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، کانال الجزیره از انتشار این خبر سرباز زد. یکی از خبرنگاران این شبکه، به صورتی محرمانه گزارش

۱. درع الجزیره

داده بود که جو حاکم در استودیو و میز تحریریه الجزیره، دشمنی با شیعه بود و علاوه بر آن، تحولات در منامه، خود به خود بر نظام قطر نیز تأثیر می‌گذاشت (حداد، ۲۰۱۱: ۳).

با وجود این، کانال‌های ماهواره‌ای لبنانی که مشغول پوشش قیام مردم بحرین بودند، همچون OTV، المنار، الجدید و MTV، از طرف خود عرب ست، با ارسال پارازیت مواجه شدند که موجب اعتراض وزارت ارتباطات لبنان به مدیریت عرب ست در ریاض شد، ولی هیچ پاسخی به آن داده نشد. ارسال پارازیت از سوی عربستان سعودی، برای هماهنگی با سیاست‌های آل خلیفه در مواجهه با قیام مردم بحرین انجام شد (الثوره العربیه توفقت علی مشارف الخلیج، ۲۰۱۱).

با وجود این، قیام ۱۴ فوریه مردم بحرین از شبکه‌های اجتماعی شروع شد و اخبار وقایع آن از طریق همین شبکه‌ها انتشار یافت. ائتلاف جوانان ۱۴ فوریه^۱، انقلاب ۱۴ فوریه و روز خشم در بحرین^۲، جمعیت دانشجویان بحرینی^۳، نافرمانی مدنی^۴، جمعیت وفاق اسلامی^۵، یوسف ابراهیم و غیره، از جمله صفحات دعوت از مردم برای تجمع و تظاهرات در میدان مروارید منامه و دیگر شهرهای بحرین، در بحبوحه انقلاب ۱۴ فوریه این کشور بودند (ابراهیم، ۲۰۱۱).

صفحه‌های فیس بوکی فعالان سیاسی بحرینی، وسیله انتشار هزاران تصویر و ویدئو از جنایات بشری آل خلیفه در میدان مروارید گردید. هم‌زمان، کانال خبری العالم ایران و کانال الانوار، الکوثر و المنار نیز از طریق همین شبکه‌های اجتماعی و ویدئو کلیپ‌های بارگذاری شده در یوتیوب، اقدام به پخش و پوشش گسترده قیام ۱۴ فوریه مردم بحرین کردند.

همچنین، در پی ناآرامی‌های اخیر بحرین، صفحه‌ای در فیس بوک ایجاد شده که به پوشش اخبار معترضان بحرینی می‌پردازد و حدود ۸۰ هزار عضو دارد. آماری که در قیاس با جمعیت یک میلیون نفری بحرین، چشمگیر به نظر می‌رسد. علاوه بر این، ویدئوی مصاحبه با ورزشکاران معترض، در نسخه‌های فراوان در شبکه یوتیوب منتشر شده است.

۱. ائتلاف شباب ثوره، ۱۴ فوریه.

۲. ثوره ۱۴ فبراير يوم الغضب فی البحرين

۳. جمعیتہ طلاب بحرین

۴. اعتصام مدنی

۵. جمعیه الوفاق الاسلامیه

راهاندازی صفحه‌های فیس بوک در حمایت از فوتبالیست‌های دستگیرشده و امضای دادخواست‌های اینترنتی و تشکیل کمپین‌های اعتراضی، از جمله فعالیت‌های سیاسی است که در پی حوادث اخیر بحرین شکل گرفته است. غیر از ویدئوهای منتشرشده از اعتراضات خیابانی در بحرین و عکس‌های مرتبط که در تارنماها و وبلاگ‌ها تکثیر شده‌اند، صفحه‌ای برای همراهی با بازیکنان بازداشت‌شده تیم ملی بحرین، در فیس بوک ایجاد شده که عنوان آن «همه ما با بازیکنان منتخب بحرین هستیم»^۱ است.

تصویر پروفایل این صفحه حدود ۵ هزار عضو دارد و شامل عکسی از علاء حبیل - آقای گل بحرین - است که بر روی آن نوشته شده «ما همگی در انتظار هستیم» (شبکه‌های اجتماعی و معترضان بحرینی، ۱۳۹۰، بی بی . سی).

در مقابل، العربیه وابسته به عربستان سعودی نیز مانند الجزیره، با روشی غیرحرفه‌ای در پوشش اخبار قیام مردم بحرین، اقدام به پخش گزارش‌هایی در راستای سیاست رسانه‌ای آل خلیفه کرد. این شبکه، انقلاب مردم بحرین را وابسته به ایران و در راستای برپایی جمهوری اسلامی بحرین تفسیر می‌کرد. پخش تمثال‌ها و علامت‌های شیعی از شبکه العربیه در همین راستا انجام می‌شد. این در حالی بود که در میدان مروارید، به غیر از شیعیان مذهبی، شیعیان سکولار، ناصری‌ها و احزاب چپ حضور داشتند و شعار غالب آنها سقوط نظام بود.

در همین راستا، عبدالله مدنی نویسنده وابسته به آل خلیفه، در برنامه کانال العربیه به نام «اضاءات»، انقلاب مردم بحرین را اقدامی خرابکارانه و نادرست ارزیابی و دیگر انقلاب‌های عربی را جنبش مردم‌سالاری و حقوق بشری می‌داند. او معتقد بود میدان مروارید در دست کانال‌های العالم و المنار بود و به دلیل ضعف رسانه‌ای بحرین، الجزیره و العربیه و سپر جزیره، به یاری بحرین شتافتند. مدنی به صراحت اعلام کرد کمک‌گرفتن از بیگانگان عیب نیست» (مدنی، ۲۰۱۱).

با وجود این، می‌توان گفت در سایه اجحاف رسانه‌های عربی در قبال قیام ۱۴ فوریه مردم، شبکه‌های اجتماعی، به ویژه فیس بوک، تا حد زیادی توانست در خدمت آرمان‌های مردم بحرین درآید و تعامل نمادینی را میان کنش اعتراضی فرد بحرینی و ساختار مجازی و رسانه‌ای

۱. کلنا مع لاعین المنتخب البحرینی

ایجاد کند. این تعامل، فضای خیابانی و فضای مجازی را به هم متصل و گفت‌وگومانی اعتراضی را شکل‌بندی می‌نمود.

نتیجه‌گیری

قدرت، پتانسیل رابطه‌ای است که کنش‌گر اجتماعی را قادر می‌سازد به طور متفاوتی بر تصمیمات دیگر کنش‌گران اجتماعی تأثیر بگذارد. پتانسیل رابطه‌ای قدرت، شرطی نیز هست، ولی توسط پتانسیل ساختاری حاکم مشخص نمی‌شود. نهادها ممکن است درگیر روابط قدرت شوند و موضوعاتشان را به نحوی بر روی ساختار حاکم اعمال کنند. مفهوم کنش‌گر، ارجاعی به برخی موضوعات کنش هستند، کنش‌گر فردی، کنش‌گر اجتماعی، سازمان‌ها، نهادها و بالاخره، شبکه‌ها. شبکه‌ها، الگوی بنیادی زندگی نوینی را می‌سازند. در همین رابطه، «فریتیجوف» می‌نویسد همانطور که ما زندگی را مشاهده می‌کنیم، شبکه‌ها را نیز می‌بینیم. این شبکه‌های اجتماعی به نحوی تعامل و معانی راسبب گشته‌اند. توانایی شبکه‌ها، کنش‌گران جدیدی را به وجود آورده که در مقابل مراکز قدرت عرض اندام می‌کنند. با وجود این، هسته تغییرات فن‌آوری، باعث ایجاد جامعه شبکه‌ای شده و نوعی جامعه جهانی شبکه‌ای را رقم زده است (Castells, 2009: 10 – 20).

این نوشتار مشخص ساخت که چگونه جامعه جهانی شبکه‌ای، به مثابه ساختار قدرت جدید اجتماعی، به کنش‌گران عرب، قدرت و پتانسیل کنش در مقابل ساختار حاکم پدرسالارانه عربی را داد و بالاخره، چگونه آنها توانستند خود را به صورت کنش‌گر با نفوذ سپهر اجتماعی در جهت گفت‌وگومان تغییر تعریف کنند.

کاستلز در کتاب خود با عنوان «عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ»، معتقد است انقلاب ارتباطات، از سال ۱۹۹۰ م و به ویژه، از سال ۲۰۰۰ به بعد، ما را با الگوی جدید ارتباطات همانند ارتباط وایرلسی که تعاملات اجتماعی را در هر نقطه از جهان به هم نزدیک ساخته، روبرو کرده است. این مهم حتی در کشورهای در حال توسعه نیز با استقبال زیادی مواجه شده است. اینترنت و ارتباط وایرلسی، دیگر در برداشت سنتی رایج رسانه مطرح نیست، بلکه آنها ابزارهای ارتباطات تعاملی میان انسان‌ها هستند. در دل این تغییرات، شبکه‌های

اجتماعی نظیر فیس بوک و توییتر به صحنه‌گردانان این ارتباط اضافه شده‌اند که خود مؤید تغییرات در سطوح اجتماعی و سیاسی جهانی است (Castells, 2010: 5-13). این نوشتار نیز با توجه به انقلاب ارتباطات در عصر جهانی‌شدن، سه انقلاب مصر، تونس و بحرین را در سایه همین گفتمان تشریح کرد و اهمیت شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای را در وقوع و تکوین بهار عربی مورد بررسی قرار داد.

در انقلاب‌های عربی، جوانان عرب بیش از هر چیز، امکانات نوینی را که روند جهانی‌شدن در اختیار بشر نهاده، به خدمت گرفتند. بر این اساس، در دنیای جهانی‌شده کنونی، مسأله مرکزی، تأثیر بر افکار عمومی است و حلقه مرکزی بر این تأثیر، رسانه‌های جمعی و ارتباطات جهانی می‌باشند. جهانی‌شدن، این امکان را به وجود آورده که شبکه ارتباطات، تبدیل به عمل جمعی و حرکت جمعی شود. به این معنا، انقلابیون پست‌مدرن، از فراگرد جهانی‌شدن سود می‌جویند (پورسعید، ۱۳۸۷: ۱۳۳). در انقلاب‌های عربی نیز شاهد بودیم که جوانان پست‌مدرن و شبکه‌ای عرب، چگونه خیابان‌های کشورهای عربی را به تسخیر خود درآوردند. جنبش انقلابی ۱۷ فوریه جوانان لیبی و بنغازی، انقلاب تغییر یمن، جنبش اصلاح‌گرایانه ۲۰ فوریه مغرب و حتی جنبش اعتراضی در اردن هاشمی نیز همگی متأثر از شبکه‌های اجتماعی مجازی و کانال‌های عرب‌زبان می‌باشند که نیازمند بررسی بیشتر در نوشتاری جداگانه است.

منابع

- بارت، رولان (۱۳۷۵): *اسطوره امروز*، ترجمه شیرین دخت دقییان، تهران: مرکز.
- فی، برایان (۱۳۸۵): *فلسفه امروزی علوم اجتماعی*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷): «امکان و امتناع انقلاب رنگی در جامعه ایرانی»، در کتاب *انقلاب رنگی و جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۸۹): *روشن و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هینه‌بوش ریموند الویشن (۱۳۸۶): *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه علی گل محمدی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵): *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
- معینی علمدارای، جهانگیر (۱۳۸۵): *روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست*، تهران: دانشگاه تهران.
- نای، جوزف، اس (۱۳۸۷): *قدرت در عصر اطلاعات، از واقع‌گرایی تا جهانی‌شدن*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Buzan, B, Waver, and Dewilde, J. (1998); *Security: A new Framework for Analysis*, Boulder, Co. Lynne. Reinner.

Castells, Manuel (2009); *Communications Power*, Oxford: Oxford University Press.

Castells, Manuel (2010); *The Information Age: Economy. Society and Culture*, Wiley: Black Well.

Economist, (2, April, 2006) ; " The party, The people and power of Cyber- tak", 5- 26.

Eriksson, Johan and Giacomoll, Giampiero (2006); *International Relation and Security in the Digital Age*, New York.

<http://www.iccrossing.Couk./Fleadmin/uploadsre book>.

<http://www.Maps.Foworld.com/refeeals/computers/interenet/cyber-culture-and-cyber-café>.

Keck, M, and Sikkink, K. A, (1998); *A Criticisms Beyond border: Advocacy Network in International Politics*, Ithaca, NY: Cornell University Press.

Poulsen (2006); "Hack Attacks called the New cold war", The Register 23 March , available on <http://www.TheRegister.co.uk/Content/8/17820.html>.

Salhi, Hamoud (2002); " Assessing Theories of Information Technology and Security for Middle East" , *International Relations and Security in the Digital Age*, Edited by, John Eriksson and Gimpiero Giacomollo, New York: Routledge.

Wright (2000); "Political Control and the Internet", S. Hich, E. Halpon and E. Hoskins (eds); *Human Rights and The Internet*, New York: Martin Press.

ابوزيد، جيهان، *الشباب والأهداف التنميه لا فيه في الوطن العربي*، صنعنا UNDP.

الجزيره مباشر مصر (٢٠١١)؛ على القضاء الجزيره مباشر مصر.

سيب، فيليب (٢٠١١)؛ *تأثير الجزيره*، ترجمه عز الدين عبدالمولى، دوحه: الجزيره للدراسات.

رفعت، سيد احمد (٢٠١١)؛ *لماز النسبنا ثوره الجري، انضرابى* <http://www.Islamicmada.Ar/Nsite>

[/ Full stooy/ Newsude 586](#)

شريت، رشيد (٢٠١١)؛ *تغطيه قنا (الجزيره للثورات العربيه)*؛ القدس العربي <http://www.Algud>

عبدالحى، احمد تامامى (٢٠١١)؛ *شباب الاحتجاج غير الحزب، غياب الابدولوجيه والقياده*، دوحه و للدراسات الجزيره.

عبدالحى، احمد تامامى (٢٠١١)؛ *"فريضه الحركات الثوريه في مصر"*، ٢/١٠ فى الجزيره الدراسات، زور على

الموقع [http:// Aljazeera.Net](http://Aljazeera.Net)

عبدالله، عبدخالق (٢٠١١)؛ *"الجزيره: صوت العرب فى الصفحه"*، انظر الى: <http://www.Alsahte.com>

فاروق، دنيا (٢٠١١)؛ *"الشباب المصرى و الحق فى المشاركه السياسيه"*، انظر الى: <http://www.yallanes>

القناه الجزيره (٢٠١١)؛ *"الاخبار من ميدان التحرير"*، ٢٥ يناير / كانون الثانى [http:// Aljazeera.Net](http://Aljazeera.Net)

قناه الجزيره (٢٠١١)؛ *"دينمو الثرات العربى"*، انظر الى: <http://www.Alsahfe.Com/News-2897>

لملوم، الفه (٢٠١١)؛ *"الاعلام و ثوره الجيل العربى الجديد"*، فى [http:// Aljazeera.Net/NR/excer/](http://Aljazeera.Net/NR/excer/)

مدلسى، مراد (٢٠٠١)؛ *"الجزاير ليست تونس و الجزاير ليست مصر"*، ١٧ فبراير <http://www.Tsa-Algerie>

[com/ ar/ diplomacy/ sricle 34, 93 htm. 17](#)

مركز الجزيره الدراسات (٢٠١١)؛ *"حول استعمال التوتير فى تونس"*، يوم ١٤ يناير / كانون الثانى

مروان، عمر، قوره عادل (٢٠١١)؛ *"النص الكامل المحله تقرير لجنه تقضى الحقائق حول ثوره ٢٥ يناير"*، *المصرى اليوم*.

مليون مستخدم للانترنت فى مصر بعد الثوره (مارس ٢٠١١)؛ انظر الى: <http://www.Saudiyoum.com/>

واشنطن بوت نتقد تغطيه قناه الجزيره للثورات العربيه (٢٠١١)؛ ، شبكه سيدات مصر، انظر الى:

www.Egypt/ ladys.com/ vb/ showthread. Php? T 136703

يوسف جبارين (٢٠١١)؛ *اهم انجاز للثورات العربيه اعماده بناء الانسان العربى المتحدى*، القايره: المركز العربى

للحقوق و السياسات مؤخره.